
نام مبارک حضرت رقیة علیهاالسلام در منابع تاریخی


بسم الله الرحمن الرحیم
نام مبارک حضرت رقیة المرتضی علیهاالسلام در منابع تاریخی

فهرست

قصیده سوزناك سيف بن عميرة النخعي الكوفي

یکی از کهن ترین منابعی که نام حضرت رقیه (سلام الله علیها) در آن می درخشد، قصیده سوزناک یکی از أصحاب بزرگوار امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام)، بنام «سيف بن عميرة النخعي الكوفي» است.

وی از راویان موثق نزد نجاشی و شیخ طوسی و شیخ صدوق و جمع دیگریست، نامش در مشیخه صدوق در عداد معتمدین آمده است و ثقات و اصحاب اجماع از او روایت کرده اند. از جمله روایات مشهور او «زیارت عاشورا» است. سیف همچنین از مشایخ فقهی شیعه می باشد که فقه را از ائمّه اطهار (علیهم السلام) روایت کرده است.

او قصیده سوزناکی در رثای حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) با این مطلع سروده است : «جلّ المصابُ بمن أصبنا فاعذُري ، يا هذه وعن الملامةِ فاقصُري» که علّامه سیّد محسن امین در اعیان الشیعه و علامه طریحی در المنتخب به این مطلب اشاره کرده اند. در ابیاتی از این قصیده به نام مبارک حضرت رقیه (سلام الله علیها) اشاره شده است:

جل المصاب بمن أصبنا فاعذرى | ياهذه وعن الملامة فاقصرى
أفما علمت بأن ما قد نالنا | رزء عظيم مثله لم يذكر
رزء عظيم لايقاس بمثله | رزء فلم تسمع به أو تبصر
والشمس كاسفة و لما تزهر | رزء به عرش الإله مصابه
جلت لدى الملك الجليل الأكبر | رزء النبى المصطفى و مصيبة
بارى الورى من سوقة ومؤمر | رزء الحسين الطهر أكرم من برا
وأبوه حيدرة عظيم المفخر | من جده الهادى النبى المصطفى

لما ابتديت بفرقة و تغير | و سكينة عنها السكينة فارقت
و غدا" ليعذرها الذى لم يعذر | و رقية رقّ الحسود لضعفها
لثمُ عقيب دموعها لم يكرر | ولام كثوم يجد جديدها

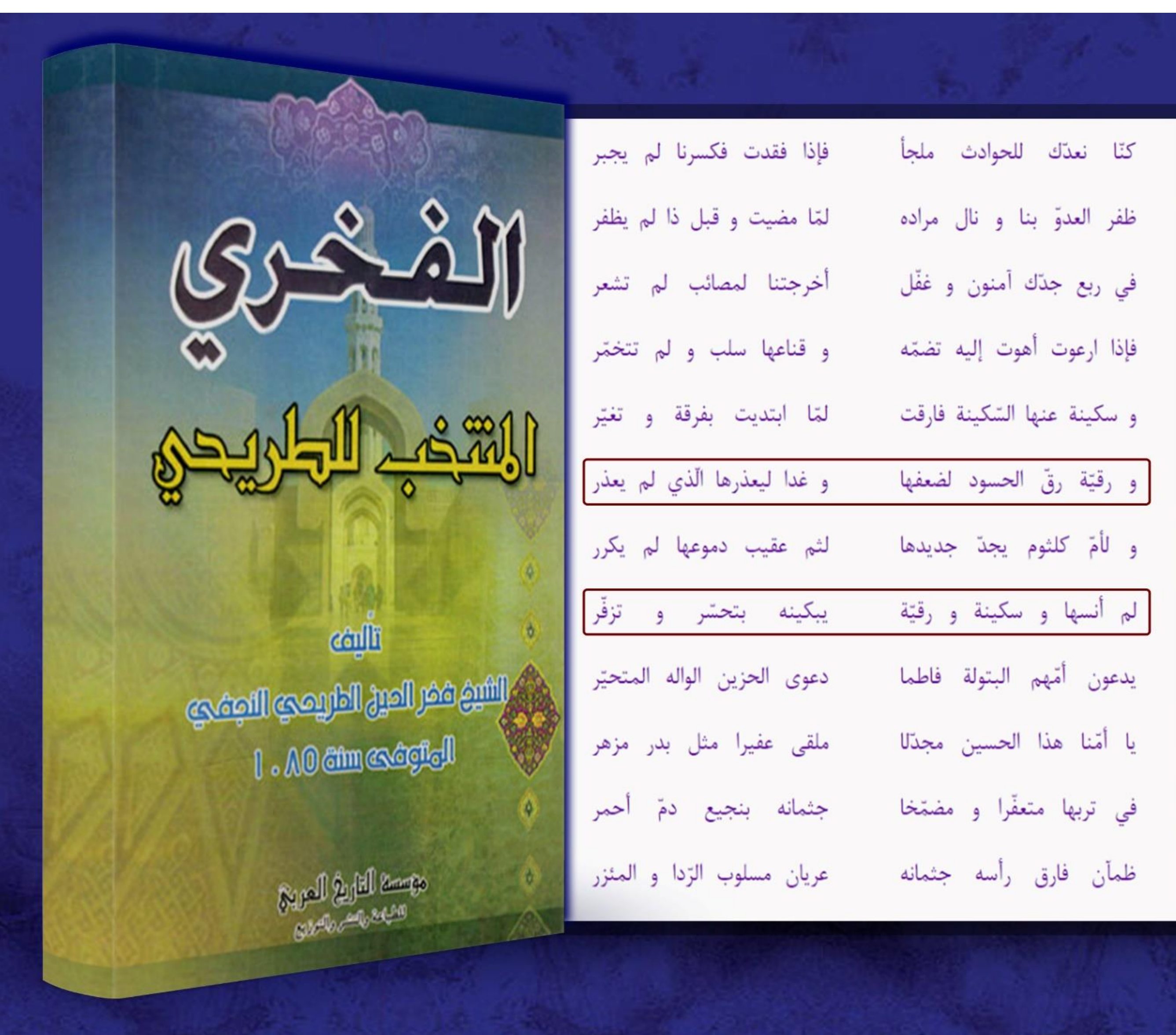
لم انسها و سکینه و رقیة — یبکینه بتحسر و تزفر
یدعون امهم البتولة فاطماً — دعوی الحزین الوالح المتحیر
یا امنا هذا لحسین مجدلاً — ملغی عفیرا مثل بدر مزهر
فی تربها متعفراً و مضخما — جثمانه بنجیع دم احمر
ظمآن فارغ راسه جثمانه — عریان مسلوب الرداو المئزر
یا امنا نوحی علیه و عَوّلی — فی قبرک المستور بین الاقبر
یا امنا لو تعلمین بحالنا — لرایت ذاحال قبیح المنظر
اما الرجال فموسر و معفر — والمحصنات ففی سبی و تشهر
و عبیدکم سیف ابن عمیره — عبد لعبد عبید حیدر قنبر

ترجمه أبیات قسمت دوم که مرتبط با حضرت رقیه المرتقی علیها السلام است، در ذیل آمده است:

- آرامش از سکینه (علیها السلام) جدا شد چون که او از امام خود جدا گردید
- حضرت رقیه (علیها السلام) کسی بود که حسودان برای ضعف و ناتوانیش دل سوزاندند.
- این عده فردای قیامت مجبور به عذرخواهی از او میشوند هرچند که هیچ عذری برای آنها وجود ندارد
- حضرت ام کلثوم (علیها السلام) نیز هر لحظه صورت اشک آلودش را با پارچه ای پاک میکند
- من هیچگاه ام کلثوم و سکینه و رقیه (علیهم السلام) را فراموش نمیکنم که برای امام حسین (علیه السلام) با آه و ناله حسرت گریه میکردند
- آنها مادرشان حضرت فاطمه (علیها السلام) را با حال محزون و سرگردان و حیران صدا میزدند
- آنها با مادر خود چنین میگفتند: ای مادر! این حسین فرزند توست که همچون ماه روشن به روی خاک افتاده و در خاک و خون غلطیده است
- ای مادر این حسین توست که با پیکری برهنه و پر خون در خاک افتاده و به خون بدنش سرخ گشته است
- ای مادر این حسین توست که دشمنان او را با لب تشنه شهد کردند و سرش را از بدنش جدا نمودند و بدنش را عریان و برهنه روی خاک رها کردند
- ای مادر در میان قبرت که در میان قبرها مخفی و مستور است، برای حسینت نوحه سرائی کن و فریاد واویلا سر بده

▪ ای مادر اگر بودی و از حال ما خبر داشتی یقینا ما را با حال دلخراش و دیدگانی ناراحت کننده میدیدی
▪ ای مادر مردان ما یا اسیرند و یا در خاک و خون غلطان میباشند و زنان ما نیز در اسارت و در معرض دید مردم کوچه و بازار قرار گرفته اند ...

📔 المنتخب في جمع المراثي و الخطب المشتهر بـ (الفخري)، ص ٤٣٥



كنّا نعدّك للحوادث ملجأ　　فإذا فقدت فكسرنا لم يجبر
ظفر العدوّ بنا و نال مراده　　لمّا مضيت و قبل ذا لم يظفر
في ربع جدّك آمنون و غفّل　　أخرجتنا لمصائب لم تشعر
فإذا ارعوت أهوت إليه تضمّه　　و قناعها سلب و لم تتخمّر
و سكينة عنها السّكينة فارقت　　لمّا ابتديت بفرقة و تغيّر
و رقيّة رقّ الحسود لضعفها　　و غدا ليعذرها الّذي لم يعذر
و لأمّ كلثوم يجدّ جديدها　　لثم عقيب دموعها لم يكرر
لم أنسها و سكينة و رقيّة　　يبكينه بتحسّر و تزفّر
يدعون أمّهم البتولة فاطما　　دعوى الحزين الواله المتحيّر
يا أمّنا هذا الحسين مجدّلا　　ملقى عفيرا مثل بدر مزهر
في تربها متعفّرا و مضمّخا　　جثمانه بنجيع دمّ أحمر
ظمآن فارق رأسه جثمانه　　عريان مسلوب الرّدا و المئزر

قصيده سوزناك سيف بن عَمِيرَة النخعي الكوفي

سیف از ثِقات أصحاب امام صادق و امام کاظم علیهماالسلام و از مشایخ فقهی شیعه می باشد.

او قصیده سوزناکی در رثای حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام دارد که در ابیاتی از آن به نام مبارک حضرت رقیه علیهاالسلام اشاره می کند:

و رقيّة رقّ الحسود لضعفها　　و غدا ليعذرها الذي لم يعذر
و لأُمّ كلثوم يجد جديدها　　لثم عقيب دموعها لم يكرر
لم أنسها و سكينة و رقيّة　　يبكينه بتحسّر و تزفّر

المنتخب في جمع المراثي و الخطب المشتهر بـ (الفخري)، ص ۴۳۵

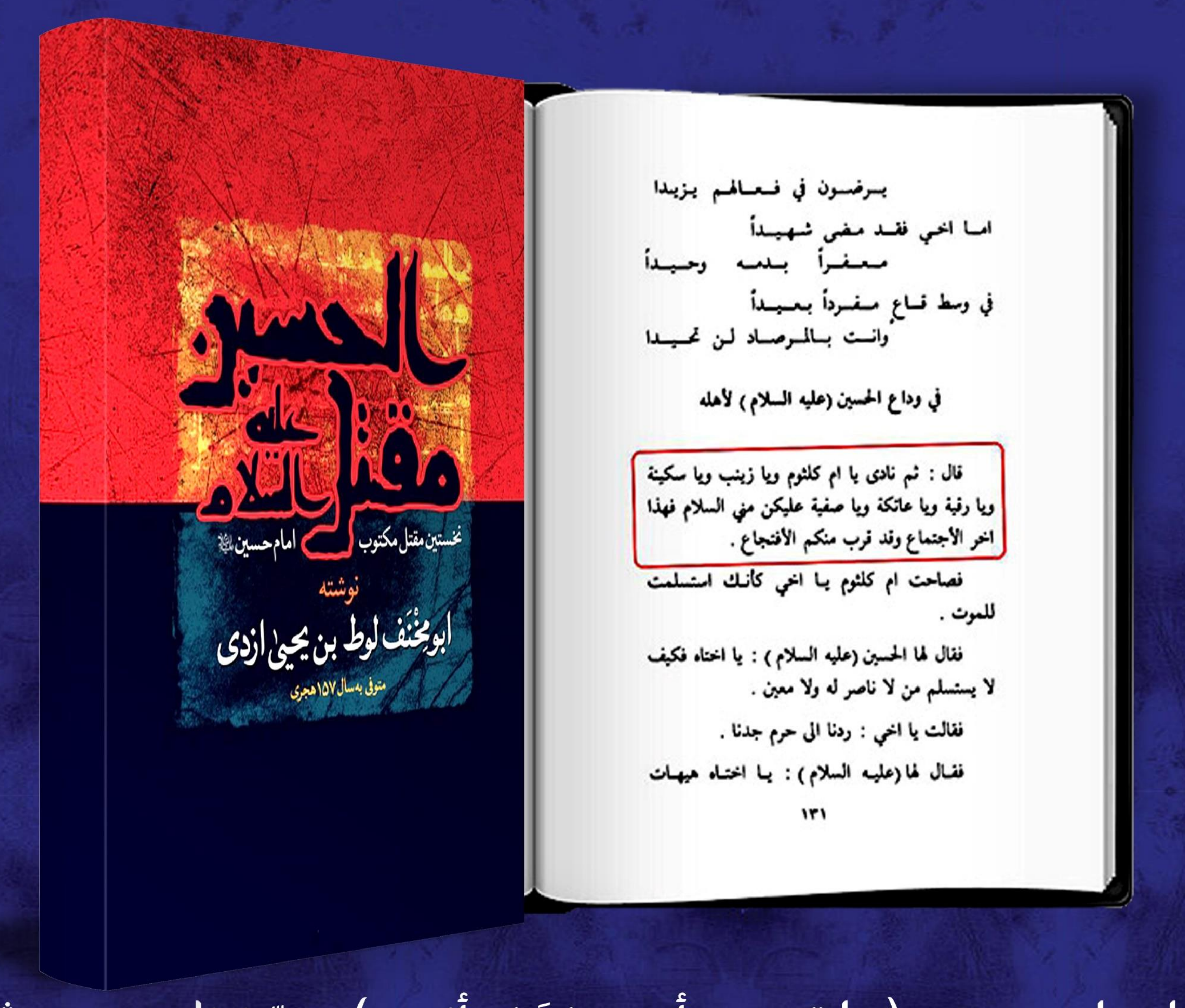
مقتل أبی مخنف أزدی

لوط بن یحیی (ملقب به أبومِخنَف أزدی) (متوفی ۱۵۸ هجري قمري) از اصحاب امام صادق (علیه السلام) و از مورّخان مورد اعتماد و مقبول نزد عامه و خاصه است. اثر او از نخستین مقاتل طف نینوا می باشد و مورد استناد کتب بسیاری قرار گرفته است.

او در این مقتل به نقلی از حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) در وداع آخر اشاره کرده که آن حضرت نام مبارک حضرت رقیه (علیها السلام) را در آن می برند:

« ثُمَّ نَادَی: یَا أُمَّ کُلْثُوم وَ یَا زَینب وَ یَا سُکَینَة وَ« یَا رُقَیَّة » وَ یَا عَاتِکَة وَ یَا صَفیَّة عَلَیکُنَّ مِنِّی السَّلَام فَهَذَا آخَر الإجتِمَاع وَ قَد قَرُب مِنکُم الافتجاع ».

📔 مقتل أبی مخنف، طبعة مکتبة الفین کویت، ص ۱۳۱



يرضون في فعالهم يزيدا

اما اخي فقد مضى شهيداً
معفراً بدمه وحيداً
في وسط قاع مفرداً بعيداً
وانت بالمرصاد لن تحيدا

في وداع الحسين (عليه السلام) لأهله

قال : ثم نادى يا ام كلثوم ويا زينب ويا سكينة ويا رقية ويا عاتكة ويا صفية عليكن مني السلام فهذا اخر الأجتماع وقد قرب منكم الأفتجاع .

فصاحت ام كلثوم يا اخي كأنك استسلمت للموت .

فقال لها الحسين (عليه السلام) : يا اختاه فكيف لا يستسلم من لا ناصر له ولا معين .

فقالت يا اخي : ردنا الى حرم جدنا .

فقال لها (عليه السلام) : يا اختاه هيهات

۱۳۱

لوط بن یحیی (ملقب به ابومِخنَف أزدی) مورّخ نامی و موثق و از اصحاب امام صادق علیه‌السلام، در مقتل خود که از نخستین مقاتل طف نینوا می باشد، به نام مبارک **حضرت رقیة** علیهاالسلام اشاره کرده است:

« ثُمَّ نَادَى: يَا أُمَّ كُلثُومِ وَ يَا زَينب وَ يَا سُكَينَة وَ« يَا رُقَيَّة » وَ يَا عَاتِكَة وَ يَا صَفيَّة عَلَيكُنَّ مِنِّي السَّلَام فهَذَا آخر الإجتِمَاع وَ قَد قَرُب مِنكُم الافتجاع »

مقتل أبی مخنف، طبعة مكتبة الفين كويت، ص ۱۳۱

لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب

تألیف ابوالحسن علی بن ابی القاسم بن زید بیهقی مشهور به ابن فندق متوفاي سال ۵٦۵ ق معروف به فرید خراسان و متبحر در علوم نسب شناسی و فقه و ...، استاد مرحوم ابن شهر آشوب.

او در اثرش به نام فرزندان حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) اشاره کرده است :

« أما الحسینیة فهُم من أولاد الحسین بن علی و لم یبق من أولاده إلا زین العابدین و فاطمه و سکینه و رقیة (سلام اللّٰه علیهم أجمعین) ...»

از فرزندان امام حسین (علیه السلام) جز حضرت زین العابدین و فاطمه و سکینه و رقیه (علیهم السلام) باقی نماند.

📔 لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب، ج ۱، ص ۳۵۵


لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب
ابوالحسن علی بن ابی القاسم بن زید بیهقی مشهور به ابن فندق، فرید خراسان و متبحر در علوم نسب شناسی و فقه و ...، استاد مرحوم ابن شهر آشوب در اثرش «لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب » می نویسد:
«أما الحسينية فهُم من أولاد الحسين بن علی علیهماالسلام ولم يبق من أولاده إلا زين العابدين و فاطمة و سكينة و رقيّة علیهاالسلام ...».
لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب، ج ۱، ص ۳۵۵

اللُّهوف عَلی قَتْلَی الطُّفوف

«لهوف» از مقاتل کهن واقعه عاشورا، تالیف ذوالحسبین جمال العارفین سید بن طاووس، از علمای صاحب کرامت و نقبای بزرگ شیعه در قرن ششم و هفتم می باشد.

📍 ذوالحسبین : جد اعلای سید بن طاووس ، داود بن حسن مثنی نوه پسری امام حسن (علیه السلام) و نوه دختری امام سجاد (علیه السلام) است و از سادات حسنی حسینی به حساب می آید.

پس از آنکه امام حسین (علیه السلام) خبر از شهادت خود دادند، حضرت زینب (سلام اللّٰه علیها) گریسته و لطم کردند.

سپس امام حسین (علیه السلام) زنان حرم را خطاب قرار داده و فرمودند:

« یا أختاه تعزّی بعزاء اللَّه! فإنّ سکّان السّموات یموتون و أهل الأرض لا یبقون و جمیع البریة یهلکون، یا أختاه یا أمّ کلثوم! و أنت یا زینب و أنت یا رقیة و أنت یا فاطمه و أنت یا رباب! ... » ؛

خواهرم! خود را به آرامش خدا تسلّی ده، چه ساکنان آسمانها می میرند و زمینیان به جای نمانند، و ما سوی اللَّه به مرگ گرفتار آیند. سپس خواتین حرم را خطاب کرده و نام های ایشان را بر لسان مبارک جاری ساختند.

📔 اللُّهوف عَلی قَتْلَی الطُّفوف، ص ۱۴۱

السيد ابن طاووس ١٤١

واحسيناه واضيعتاه بعدك يا أبا عبدالله.

قال: فعزّاها الحسين عليه السلام وقال لها: «يا أُختاه تعزّي بعزاء الله، فإنّ سكّان السموات يموتون، وأهل الأرض لا يبقون، وجميع البريّة يهلكون».

ثم قال: «يا أُختاه يا أُمّ كلثوم، وأنتِ يا زينب، وأنتِ يا رقية(٢٢٢)، وأنتِ يا فاطمة(٢٢٣)، وأنتِ يا رباب(٢٢٤)، أنظرن إذا أنا قُتلت فلا تشققن عليّ جيباً ولا تخمشن عليّ وجهاً ولا تقلن عليّ هجراً».

وروي من طريق آخر: أنّ زينب لما سمعت الأبيات ـ وكانت في موضع منفرد عنه مع النساء والبنات ـ خرجت حاسرة تجرّ ثوبها، حتّى وقفت عليه وقالت:

ـ عند المؤرخين بينها وبين أختها زينب الكبرى، لاتحادهما في الكنية.
راجع من مصادر ترجمتها: أجوبة المسائل السروية: ٢٢٦، الاستغاثة: ٩٠، الاستيعاب ٤ / ١٩٠، أسد الغابة ٥ / ٦١٤، أعلام النساء المؤمنات: ١٨١ ـ ٢٢٠، وذكر فيه الكثير من مصادر ترجمتها.

(٢٢٢) لم يذكرها المؤرخون، وذكرها السيد الأمين في الأعيان ٧ / ٣٤ قائلا: ينسب لها قبر ومشهد مزور بمحلة العمارة من دمشق، الله أعلم بصحته، جدّده الميرزا علي أصغر خان وزير الصدارة في ايران عام ١٣٢٣ هـ...

(٢٢٣) فاطمة بنت الإمام الحسين عليه السلام، تابعية من روايات الحديث، روت عن جدّتها فاطمة مرسلاً وعن أبيها، حملت إلى الشام مع أختها سكينة وعمتها زينب وأم كلثوم، قيل: عادت إلى المدينة فتزوجها ابن عمها الحسن بن الحسن بن علي، ومات عنها فتزوجها عبدالله بن عمرو بن عثمان، ومات فأبت الزواج إلى أن توفيت سنة ١١٠ هـ.
الطبقات ٨ / ٣٤٧، مقاتل الطالبين: ١١٩ و ١٢٠ و ٢٠٢ و ٢٣٧، الأعلام ٥ / ١٣٠.

(٢٢٤) الرباب بنت امرىء القيس بن عدي، زوجة الحسين السبط الشهيد، كانت معه في وقعة كربلاء، وبعد استشهاده جيء بها مع السبايا إلى الشام، ثمّ عادت إلى المدينة، فخطبها الأشراف، فأبت، وبقيت بعد الحسين سنة لم يظلّها سقف بيت حتّى بليت وماتت كمداً، وكانت شاعرة لها رثاء في الحسين عليه السلام.
المحبر ٣ / ١٣، أعلام النساء ١ / ٣٧٨، الأعلام ١ / ٣٧٨.



ذوالحسبین جمال العارفین سید بن طاووس، از علمای صاحب کرامت و نقبای بزرگ شیعه در قرن ششم و هفتم در مقتل الحسین علیه السلام مشهور به «لهوف» می نویسد:

پس از آنکه امام حسین علیه السلام خبر از شهادت خود دادند، حضرت زینب علیهاالسلام گریسته و لطم کردند. سپس امام حسین علیه السلام بانوان حرم را خطاب قرار داده و فرمودند:

«یا أختاه تعزّی بعزاء الله! فإنّ سکّان السّموات یموتون و أهل الأرض لا یبقون و جمیع البریّة یهلکون، یا أختاه یا أمّ کلثوم! و أنت یا زینب و أنت یا رقیة و أنت یا فاطمة و أنت یا رباب! علیهاالسلام ...»

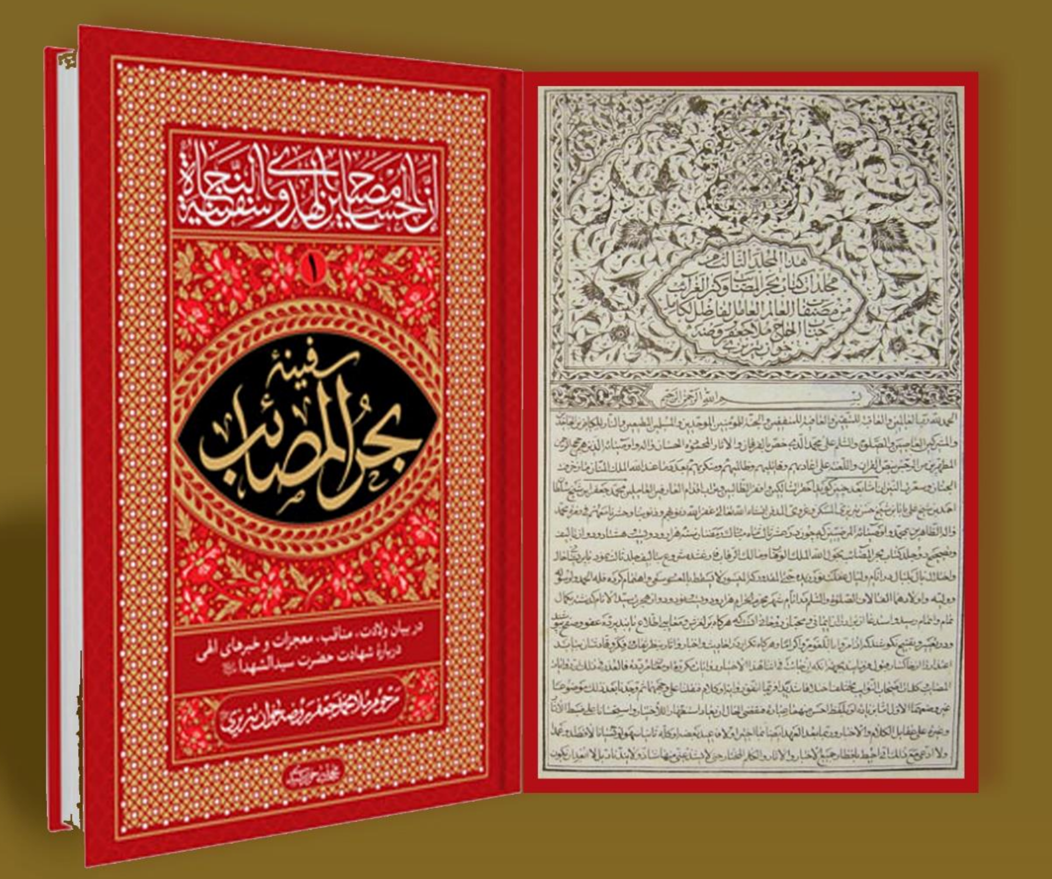
اللُّهوف عَلی قَتْلَی الطُّفوف، ص ۱۴۱

بحر المصائب و کنزالغرائب

شیخ محمد جعفر بن سلطان احمد بن علی بن حسن تبریزی در أثر ارزشمند خویش « بحر المصائب وکنز الغرائب »، بنا بر روایت صاحب «أبواب الجنان» و إبن نما و سید بن طاووس، بنام مبارک «حضرت فاطمة بنت الحسین (سلام اللّٰه علیها)» تصریح کرده و چنین نوشته است:

«در هنگامی که صیادان جور و ستم، غزالان محنت و غم، کبوتران حرم سید امم را مقید زنجیر ألم در زندان خرابه محبوس کردند، طفلی صغیر و کودکی اسيري «فاطمه» نام در سن سه یا چهار سالگی وجود داشت که به جهت صغر سن گویا شهادت پدرش را نمی دانست، ... سر پدر را براي طفل آوردند پس از درد دل هاي فراوان « فَوَضَعَت فَمَهَا عَلَى فَمَهُ الشَّرِيف وَ بَكَت بُكَاءً شَدِيداً». پس آن طفل بی دل چنان آه از دل برکشید که زمین و آسمان لرزید و جان به جان آفرین تسلیم کرد، پس جناب زینب (سلام اللّٰه علیها) بی اختیار دوید او را حرکت داد ولی متوجه شد روح از بدن طفل مفارقت کرده است».

📔 بحر المصائب و کنزالغرائب، ج٤، ص ٣٨٩ الی ٤١٠



شیخ محمد جعفر بن سلطان احمد بن علی بن حسن تبریزی در أثر ارزشمند خویش « بحر المصائب وکنز الغرائب » بنام مبارک «حضرت فاطمة بنت الحسین علیهاالسلام» تصریح کرده و چنین نوشته است:

« هنگامیکه صیادان جور و ستم، غزالان محنت و غم، کبوتران حرم سید امم را مقید زنجیر ألم در زندان خرابه محبوس کردند، طفلی صغیر و کودکی اسیري «فاطمه» نام در سن سه یا چهار سالگی وجود داشت که به جهت صغر سن گویا شهادت پدرش را نمی دانست، ... سر پدر را براي طفل آوردند پس از درد دل هاي فراوان « فَوَضَعَت فَمَهَا عَلَیَ فَمَهُ الشَّرِیف وَ بَکَت بُکَاءً شَدِیداً »، پس آن طفل بی دل چنان آه از دل برکشید که زمین و آسمان لرزید و جان به جان آفرین تسلیم کرد، پس جناب زینب علیهاالسلام بی اختیار دوید او را حرکت داد ولی متوجه شد روح از بدن طفل مفارقت کرده است».

بحر المصائب و کنزالغرائب، ج۴، ص ۳۸۹ الی ۴۱۰

جنات الخلود

▪ میر محمدرضا بن میر محمد مومن الامامی المدرس، معروف به محمدرضا امامی خاتون آبادی، عالمی فاضل و از خاندان بزرگ خاتون آبادی در عصر صفوی بوده است. او در انواع علوم زمان خود به خصوص فقه، حدیث، تفسیر و ادبیات متبحر و در سرودن شعر به فارسی و عربی صاحب قریحه بود.

▪ مصلح الدین مهدوی در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان وی را عالم فاضل متبحر در علوم، بالاخص تواریخ ائمه معصومین (علیهم السلام) معرفی کرده است.

📔مهدوی، مصلح الدین، (١٣٨٤) دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج١، اصفهان: گلدسته ، ١١٨

▪ کتاب جنات الخلود؛ أثری در شرح اسماء الحسنی و زندگی چهارده معصوم (علیهم السلام) و برخی اطلاعات متفرقه دیگر است که به شیوه مجدول (جدول بندی شده) استنساخ شده است. روش استنساخ کتاب به نحوی است که آقا بزرگ طهرانی این کتاب را نوعی دایره المعارف معرفی می کند.

📔 الذریعه الی تصانیف الشیعة، ج٥، ص ١٥٠

▪ نویسنده برای نگارش کتاب توسلات بسیار داشته، چنانچه در مقدمه أثر می نویسد:

«مدت پانزده ماه شب و روز در جمع و طراحی خونابه به خود داده ام و شرح و بسط هر چیزی از آن را بقدر گنجایش و توسعه خانه اش گنجانیده ام و این آسان نیست بلکه به فضل الهی و سلام و صلوات بر اولیا و شهاده به زبان آغاز می گردد».

▪ مولف ضمن زندگینامه حضرت أبوعبدالله الحسین (علیه السلام) به نام مبارک حضرت فاطمة بنت الحسین (سلام الله علیها) اشاره کرده است.

📔 جنات الخلود، ص ١٣



میر محمدرضا بن میر محمد مومن الامامی المدرس عالمی فاضل و از خاندان بزرگ خاتون آبادی در عصر صفوی در اثر ارزشمند خود بنام «جنات الخلود» ضمن زندگینامه حضرت أبوعبدالله الحسین علیه‌السلام به نام مبارک حضرت فاطمة بنت الحسین علیهاالسلام اشاره کرده است.

جنات الخلود، ص ۱۳

مصائب المعصومین علیهم‌السلام

▪ عماد الاعلام حاج شیخ عبدالخالق بن عبدالرحیم یزدي خراسانی از علمای مرجع قرن سیزدهم، در فقه و اصول و کلام مقامی عالی داشت. مدرس حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا (علیه آلاف التحیة و الثناء) بود و علما و فضلاء در مجلس درسش شرکت می جستند.

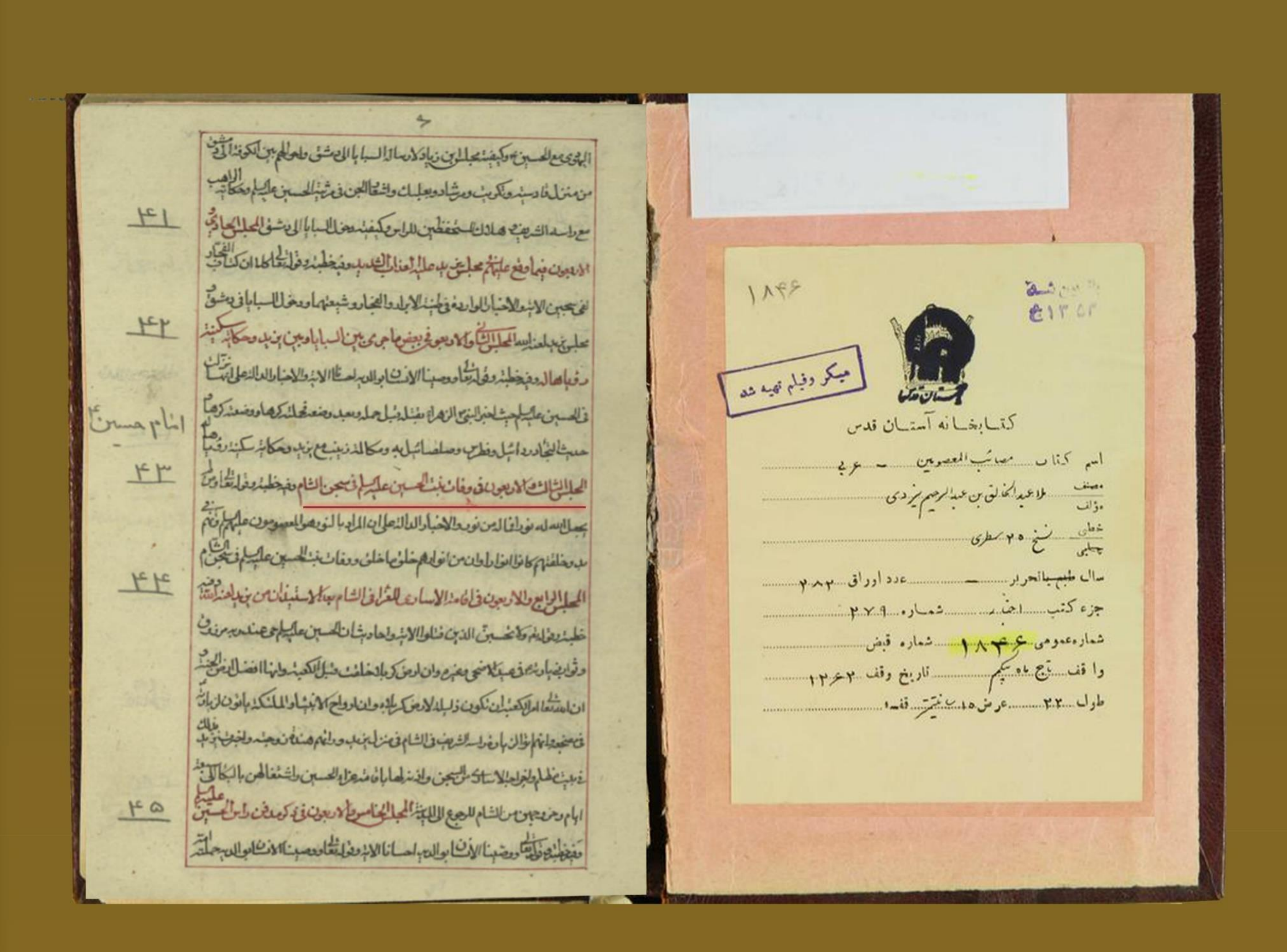
▪ " بیت الاحزان فی مصائب سادات الزمان الخمسة الطاهرة من ولد عدنان "، و " مصائب المعصومین الاربعة عشر " از آثار اوست.

▪ شیخ آقا بزرگ تهرانی در "طبقات اعلام‌الشیعه" تألیفات او را دلیل بر وسعت اطلاعات و کثرت دانش وی می‌داند.

📔 ریحانة الادب ج ٤ ص ٣٣٣

▪ عماد الاعلام در کتاب «مصائب المعصومین»، نام مبارک حضرت رقیه (سلام اللّٰه علیها) را در میان اسرای أهل بیت (علیهم السلام) می برد و سپس ماجراي خرابهٔ شام و شهادت آن حضرت را نقل می کند.

📔 مصائب المعصومین، ص ٣٦٠ و ٤٣٠



عماد الاعلام حاج شیخ عبدالخالق بن عبدالرحیم یزدي خراسانی از علمای مرجع قرن سیزدهم، در کتاب «مصائب المعصومین»، نام مبارک حضرت رقیه علیهاالسلام را در میان اسرای أهل بیت علیهم‌السلام می برد و سپس ماجراي خرابه شام و شهادت آن حضرت را نقل می کند.

مصائب المعصومین، ص ۳۶۰ و ۴۳۰

مهیّج الاحزان

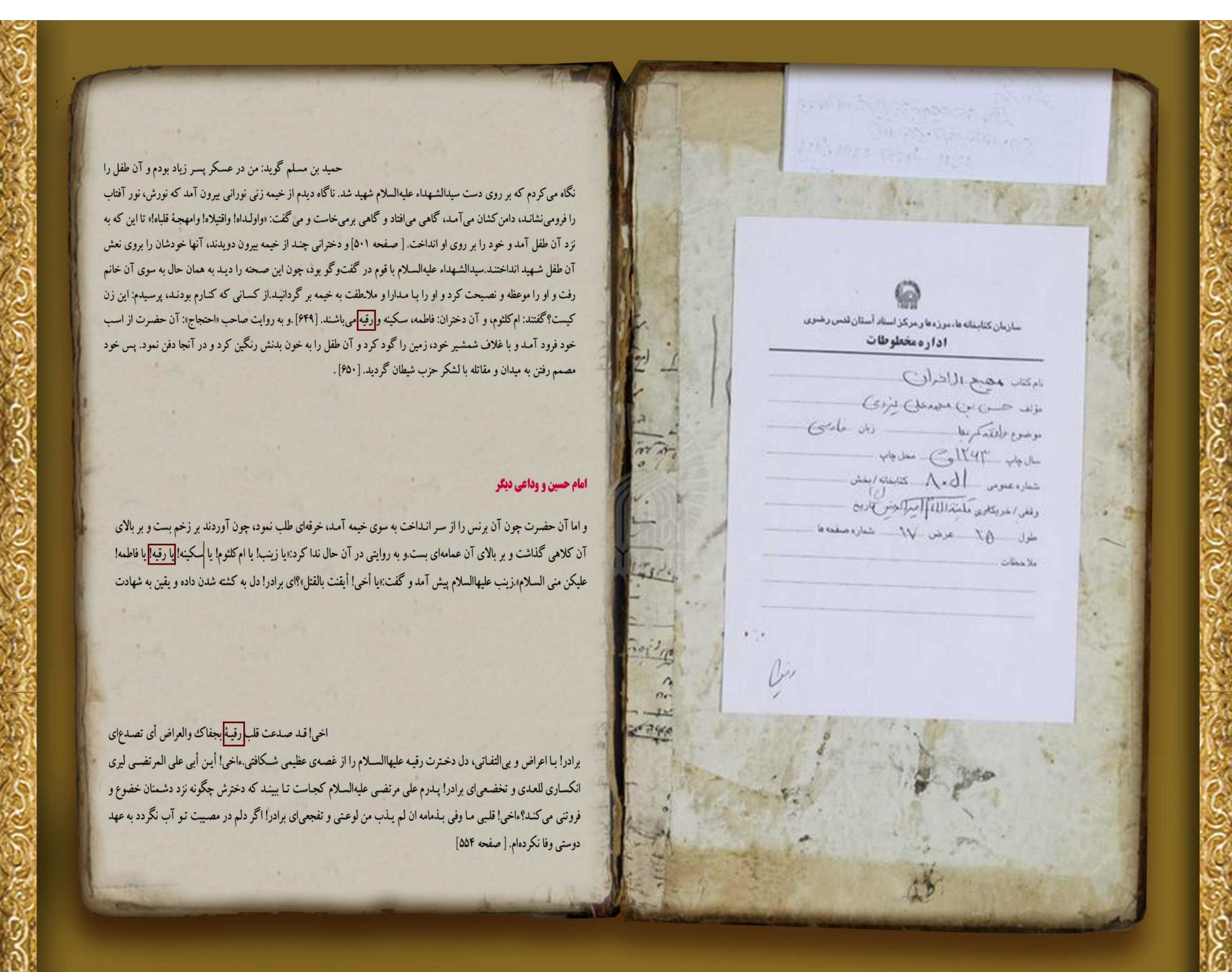
▪ ملا محمد حسن بن محمد علی یزدی حائری از علما و فقهای بزرگ ایرانی قرن سیزدهم، ساکن شهر کربلا بود. او دارای تالیفات مختلفی بود، اما مشهورترین اثر وی در مقتل الحسین به نام انوار الشهاده است.

▪ اثر بنام دیگر او «مهیج الأحزان» نیز در رثای حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) می باشد که در آن به نام مبارک حضرت رقیه (سلام اللّه علیها) تصریح کرده است.

▪ از جمله اینکه در مجلس دهم از کتاب به نقل از حمید بن مسلم می نویسد:

«من با عسگر، پسر زیاد بودم و نظر می کردم به سوي آن طفل که بر روي دست سیدالشهداء شهید شد، ناگاه دیدم از خیمه، زنی بیرون آمد، نورانی که نورش نور آفتاب را فرو می نشاند. پا بر دامن زنان گاهی می افتاد و گاهی برمی خاست و می گفت: واولداه! واقتیلاه! وامهجه قلباه! تا آمد به نزد آن طفل و خود را بر روي آن انداخت و دخترانی چند از خیمه بیرون دویدند و خود را بر روي نعش آن طفل شهید انداختند. سیدالشهداء با قوم در گفت و گو بود. چون این را دید به همان حال به سوي آن زن رفت و او را موعظه کرد و به مدارا و ملاطفت، او را به خیمه برگردانید. از کسانی که دورم بودند، پرسیدم: این زن کیست؟ گفتند: ام کلثوم و آن دختران، فاطمه و سکینه و رقیه می باشند».

📔 مهیّج الاحزان، ص ۲٤٤



حمید بن مسلم گوید: من در عسکر پسر زیاد بودم و آن طفل را نگاه می کردم که بر روی دست سیدالشهداء علیه‌السلام شهید شد. ناگاه دیدم از خیمه زنی نورانی بیرون آمد که نورش، نور آفتاب را فرومی‌نشاند، دامن کشان می‌آمد، گاهی می‌افتاد و گاهی برمی‌خاست و می گفت: «واولداه! واقتیلاه! وامهجهٔ قلباه!» تا این که به نزد آن طفل آمد و خود را بر روی او انداخت. [صفحه ۵۰۱] و دخترانی چند از خیمه بیرون دویدند، آنها خودشان را بروی نعش آن طفل شهید انداختند.سیدالشهداء علیه‌السلام با قوم در گفت‌وگو بود، چون این صحنه را دید به همان حال به سوی آن خانم رفت و او را موعظه و نصیحت کرد و او را با مدارا و ملاطفت به خیمه بر گردانید.از کسانی که کنارم بودند، پرسیدم: این زن کیست؟ گفتند: ام کلثوم، و آن دختران: فاطمه، سکینه و رقیه می‌باشند. [۶۴۹].و به روایت صاحب «احتجاج»: آن حضرت از اسب خود فرود آمد و با غلاف شمشیر خود، زمین را گود کرد و آن طفل را به خون بدنش رنگین کرد و در آنجا دفن نمود. پس خود مصمم رفتن به میدان و مقاتله با لشکر حزب شیطان گردید. [۶۵۰].

امام حسین و وداعی دیگر

و اما آن حضرت چون آن برنس را از سر انداخت به سوی خیمه آمد، خرقه‌ای طلب نمود، چون آوردند بر زخم بست و بر بالای آن کلاهی گذاشت و بر بالای آن عمامه‌ای بست.و به روایتی در آن حال ندا کرد:«یا زینب! یا ام کلثوم! یا سکینه! یا رقیه! یا فاطمه! علیکن منی السلام».زینب علیهاالسلام پیش آمد و گفت:«یا أخی! أیقنت بالقتل»؟ای برادر! دل به کشته شدن داده و یقین به شهادت

اخی! قد صدعت قلب رقیهٔ بجفاك والعراض أی تصدع‌ای برادر! با اعراض و بی‌التفاتی، دل دخترت رقیه علیهاالسلام را از غصه‌ی عظیمی شکافتی.«اخی! أین أبی علی المرتضی لیری انکساری للعدی و تخضعی‌ای برادر! پدرم علی مرتضی علیه‌السلام کجاست تا ببیند که دخترش چگونه نزد دشمنان خضوع و فروتنی می کند؟«اخی! قلبی ما وفی بذمامه ان لم یذب من لوعتی و تفجعی‌ای برادر! اگر دلم در مصیبت تو آب نگردد به عهد دوستی وفا نکرده‌ام. [صفحه ۵۵۴]

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
اداره مخطوطات
نام کتاب: مهیج الاحزان
مؤلف: حسن بن محمدعلی یزدی
موضوع: واقعه کربلا — زبان: فارسی
سال چاپ: ۱۲۹۳ ق — محل چاپ:
شماره عمومی: ۸۰۵۱ — کتابخانه / بخش:
وقفی / خریداری:
طول: ۲۵ — عرض: ۱۷ — شماره صفحه ها:
ملاحظات:

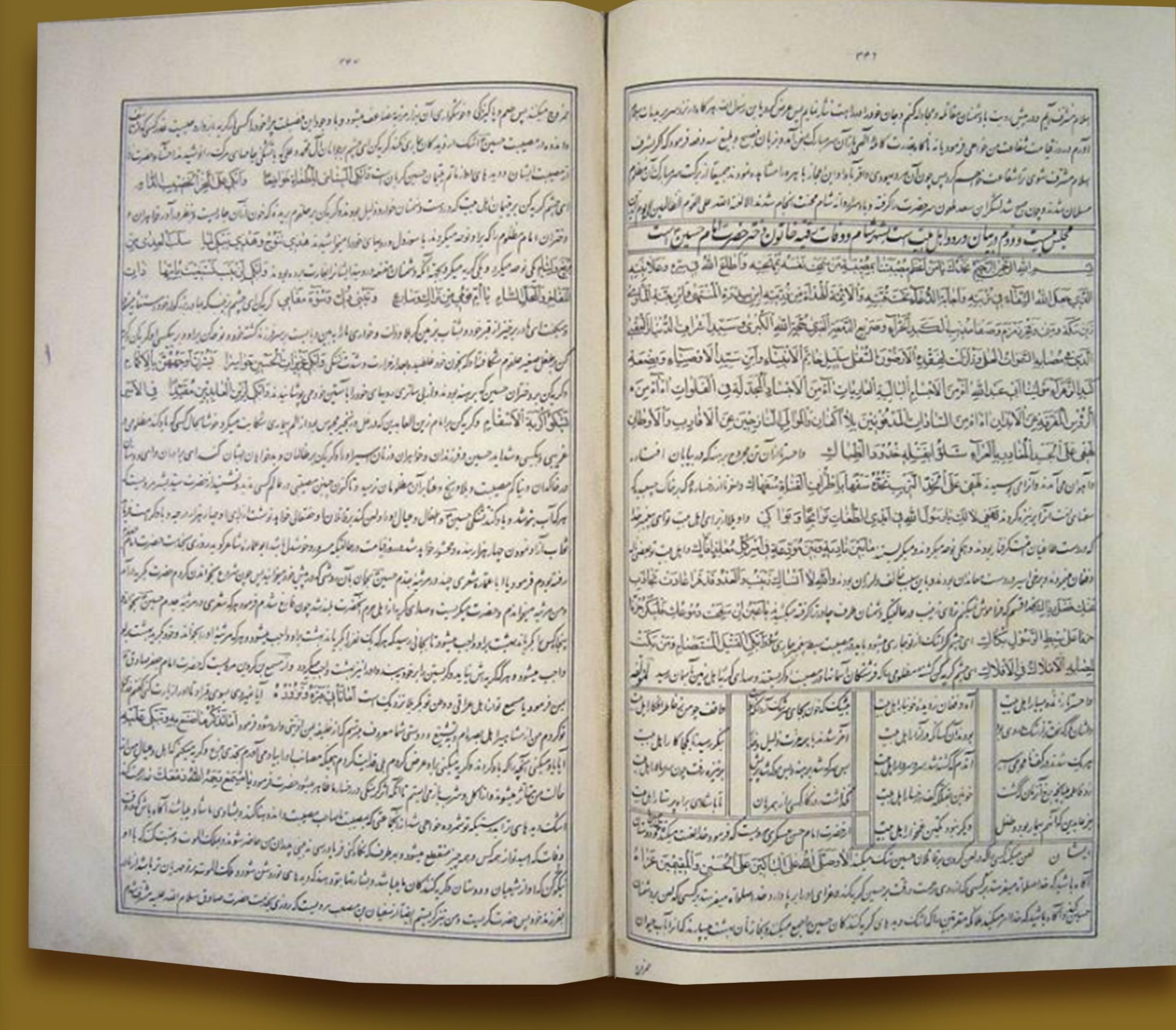
ملا محمد حسن بن محمد علی یزدی حائری از علما و فقهای بزرگ ایرانی قرن سیزدهم، در بخش های مختلفی از اثر مشهورش « مهیج الأحزان و موقد النیران فی قلوب اهل الایمان » به نام مبارک حضرت رقیه علیهاالسلام تصریح کرده است.

مهیّج الاحزان و موقد النیران فی قلوب اهل الایمان، ص ۱۹۰ و ۱۹۹ و ۲۰۸

کنزالمصائب

ادیب دانا و فاضل توانای قرن سیزدهم (عصر ناصری) محمد ابراهیم بن محمداسماعیل متخلص به «ساغر»، معروفترین اثر مطبوع خویش در مصائب و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) را در کتابی به نام «کنز المصائب» گردآورده است و در بخش رثای حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) به نام مبارک حضرت رقیه (سلام اللّٰه علیها) و مصیبت شام اشاره کرده است.

📔 کنزالمصائب، ص ۳۵۵ و ۳۵۶



مجلس بیست و دوم در بیان ورود اهل بیت به شهر شام و وفات رقیه خاتون دختر حضرت امام حسین است

ادیب دانا و فاضل توانای قرن سیزدهم، محمد ابراهیم بن محمداسماعیل، معروفترین اثر مطبوع خویش در مصائب و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام را در کتابی به نام «کنز المصائب» گردآورده، و در بخش رثای حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام به نام مبارک حضرت رقیه علیهاالسلام و مصیبت شام اشاره کرده است.

کنزالمصائب، ص ۳۵۵ و ۳۵۶

ریاض الشهادة فی مصائب السادة

✨ فاضل مدقق و محقق، جامع علوم معقول و منقول، محمد حسن قزوینی، از خواص شاگردان علامه بهبهانی و علامه بحرالعلوم بود که در فقه، اصول دین، حدیث و اخلاق به اتفاق همگان، اعلم علمای عصر خود به شمار می رفت و صاحب کتابی با موضوع اخلاق به نام کشف الغطاء بود.

✨ در آثار رجالی از او با اوصافی چون أکمل المتبحرین، افضل المتأخرین، رأس المجتهدین، رئیس الصولیین، الفاضل العارف الواعظ الامین المؤتمن یاد کرده اند.

📔 علماء الأسرة، ص ۱۹

📔 تکمله سید حسن صدر، ج ۵، ص ۳۵

✨ تدوین اثر ارزشمند «ریاض الشهادة فی ذکر مصائب السادة» به زبان فارسی و شامل سی مجلس در سه مجلد و در سال ۱۲۲۷ به پایان رسید و از روزگار تألیف، مورد توجه خطبا و علما قرار گرفت.

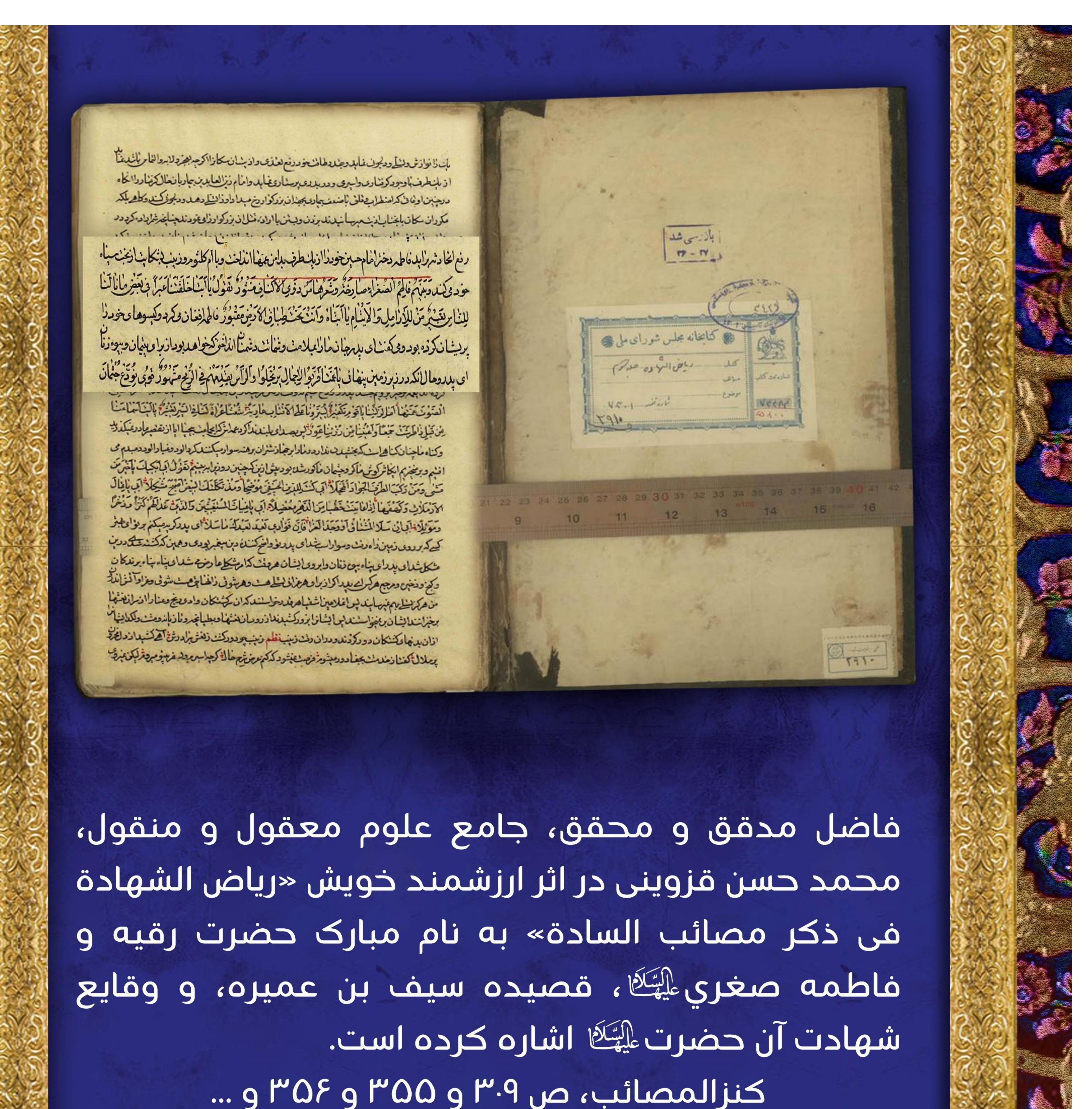
✨ صاحب روضات در وصف اثر می نویسد:
«أحسن ما قد کتب فی أمثال تلک المعان».

✨ مولف نیز در پایان جلد دوم می نویسند: «این کتاب به احادیث مستوثقه و اسانید معتبره مشحون است».

📔 روضات الجنات، ص ۱۸۱

📔 برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به : نقد و بررسی کتاب حاج محمد حسن قزوینی و کتاب اخلاق او کشف الغطاء، اثر رضا استادی

✨ در جلد دوم این اثر ارزشمند، به نام مبارک حضرت رقیه و فاطمه صغري (سلام اللّٰه علیها) و به قصیده سیف بن عمیره تصریح شده، و وقایع شهادت آن حضرت نیز اشاره شده است.



فاضل مدقق و محقق، جامع علوم معقول و منقول، محمد حسن قزوینی در اثر ارزشمند خویش «ریاض الشهادة فی ذکر مصائب السادة» به نام مبارک حضرت رقیه و فاطمه صغري علیهاالسلام، قصیده سیف بن عمیره، و وقایع شهادت آن حضرت علیهاالسلام اشاره کرده است.

کنزالمصائب، ص ۳۰۹ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ...

تحفة الحسينية

✨ عالم امامی، فقیه، محدث و واعظ نوروز علی بن محمد باقر بسطامی، معروف به فاضل بسطامی متوفی ۱۳۰۹ ق عالمی با عمل و فاضلی بی بدل از روات اخبار و ناقلین آثار ائمه اطهار علیهم (سلام اللّه علیهم أجمعین) بوده،
وی در تحصیل فقه و اصول به درجات سامیه فضل و کمال رسید.

✨ از او کتب ارزشمندی چون (تحفة الحسينية) در بیان حالات و مراثی حضرت سیدالشهداء و اهل بیت طیبات آن حضرت (علیهم السلام) برجای مانده که در آن تصریح شده برای نگارش این اثر از کتب معتبر قدمای اصحاب رضوان اللّه علیهم و غیر این کتب از کتب معاصرین و کتب تواریخ خاصه کتاب ابی مخنف، استفاده شده است.

✨ مؤلف پس از ذکرِ واقعهٔ شهادت حضرت رقیه (سلام اللّه علیها) می نویسد:

در بعضی از کتب مراثی مثل لسان الذاکرین و غیره بیان شده است که این صغیره «رقیه» نام بود در بعضی کتب مراثی مسمی به «زینب» است. گویا حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) به جهت زیادتی محبت خود به علیا جناب زینب (علیها السلام) آن دختر را مسمی به زینب نموده است.

📔 تحفه الحسینیه، ص ۳۸۹



عالم امامی، فقیه، محدث و واعظ نوروز علی بن محمد باقر بسطامی، معروف به فاضل بسطامی در کتاب ارزشمندی بنام «تحفه الحسینیة» پس از ذکرِ واقعه شهادت حضرت رقیه علیهاالسلام می نویسد:

« در بعضی از کتب مراثی مثل لسان الذاکرین و غیره بیان شده است که این صغیره «رقیه» نام بود، در بعضی کتب مراثی مسمّی به «زینب» است. گویا حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام به جهت زیادتی محبت خود به علیا جناب زینب علیهاالسلام آن دختر را مسمی به زینب نموده است ».

تحفة الحسینیة، ص ۳۸۹

یَنابیعُ المَوَدّة لِذَوی القُرْبی

✨ حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی بلخی حنفی (معروف به قندوزی) از علمای اهل سنت قرن سیزدهم است که به عبادت و ورع و تقوا شناخته می شد، وی مؤسس و مدرس و مسئول مدرسه علوم دینیه ولی عصر (سلام اللّٰه علیه) و امام جماعت مسجد حمزه سیدالشهداء (علیه السلام) بود.

✨ مهمترین اثر وی « یَنابیعُ المَوَدّة لِذَوی القُرْبی » (به معنای چشمه سار دوستی و محبت به ذوی القربی) می باشد که در آن فضایل پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را با استناد به أوثقِ منابع شیعه و أهل سنت (مانند صحاح ستّه) در یک مقدمه و صد باب گرد آورده است.

✨ قندوزي به نقل از «مقتل أبی مخنف» به نام مبارک حضرت رقیه (سلام اللّٰه علیها) تصریح کرده است:

«ثُم نادي: یا اُم کُلثومَ، وَ یا سَکینةُ، و یا رقیةُ، وَ یا عاتِکَةُ و َیا زینب، یا أهلَ بَیتی علیکنّ مِنّی السَّلامُ».

📔 ینابیع المودّة، ج ۳، ص ۷۹



[و داع الحسين عليه السّلام]

ثم نادى: «يا أمّ كلثوم، و يا سكينة، و يا رقية، و يا عاتكة، و يا زينب، يا أهل بيتي عليكنّ منّي السّلام».
فلمّا سمعن رفعن أصواتهن بالبكاء، فضمّ بنته سكينة الى صدره، و قبّل ما بين عينيها، و مسح دموعها، و كان يحبّها حبّا شديدا، ثم جعل يسكّتها و يقول:

سيطول بعدي يا سكينة فاعلمي   منك البكاء إذ الحمام دهاني
لا تحرقي قلبي بدمعك حسرة   ما دام منّي الروح في جثماني
فاذا قتلت فأنت أولى بالذي   تأتينه يا خيرة النسوان

ينابيع المودة، القندوزي ،ج۳،ص:۷۹

حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی بلخی (معروف به قندوزی) در مهمترین اثر خود « یَنابیعُ المَوَدّة لِذَوی القُرْبی » به نام حضرت رقیه علیهاالسلام و عبارت ذیل تصریح کرده است:

«ثُم نادي: يا اُم كُلثومَ، وَ يا سَكينة، و يا رقية، وَ يا عاتِكة وَ يا زينب، يا أهلَ بَيتى عليكنّ مِنّى السَّلامُ».

ینابیع المودّة، ج۳، ص ۷۹

أنوار الشهاده فی مصائب عتره الطاهره

شیخ محمد حسن بن علی یزدی کثنوی حائری از علما و فقهای بزرگ ایرانی قرن سیزدهم، دارای تالیفات مختلفی بود، اما مشهورترین اثر وی که در سال ۱۲۸۵ تألیف شده است، مقتل مولانا الحسین (علیه السلام) مسمی به «انوار الشهادة» می باشد.

✏️ ایشان در این اثر اینچنین به نام مبارک حضرت رقیه (سلام اللّٰه علیها) اشاره کرده است:

«در کتاب عوالم العلوم و برخی کتب دیگر روایت نموده است که در میان اسیران، دختر کوچکی از امام حسین (علیه السلام) باقی مانده بود و اسم او بنابرقولی رقیه (سلام اللّٰه علیها) بود و از عمر شریفش سه سال گذشته بود و آن حضرت او را بسیار دوست می داشت، آن دخترك بعد از پدرش در شب و روز بسیار گریه می کرد که از گریه او دل اهل بیت (علیهم السلام) مجروح می شد».

📔 أنوار الشهاده فی مصائب عتره الطاهره، ص ۳۵ و ۸۴ و ۲۱۶ و ۲۱۹ و ۳۲۱ و ۳۲۲

و در کتاب عوالم العلوم(۱) و بعضی کتب دیگر روایت نموده است که در میان اسیران، دختر کوچکی از امام حسین علیه السلام باقی مانده بود و اسم او بنابر قولی رقیه بود و از عمر شریفش سه سال گذشته بود و آن حضرت بسیار او را دوست میداشت و آن دخترک بعد از شهادت پدرش در شب و روز بسیار گریه می کرد که از گریه او دل اهل بیت مجروح می شد و دائما از اهل بیت سؤال می کرد که: پدر من کجا رفت؟ و چرا از من دوری نمود؟ اهل بیت در جوابش می گفتند که: پدرت در سفر رفته. و با وجود این آرام نمی گرفت و به وعده آنها تسکین به هم نمی رسانید و شب و روز در خرابه شام از فراق امام میگریست تا این که شبی از شبها در عالم رؤیا پدرش را دید و گلایه درد اسیری و مفارقت مهجوری را به پدر خود می کرد که ناگاه از خواب بیدار شد، پدر را ندید. ناله و فریاد کرد. اهل بیت دور او جمع شدند و آن یتیم را برداشتند و در دامن خود نشانیدند و او را بیدار و متنبه ساختند و سبب گریه را از او سؤال کردند. گفت: ای اهل بیت؛ حال، پدرم از سفر آمده بود و من در دامن باب خود بودم نمی گویید دیگر به کجا رفت؟ «قالَتْ: ایتُونی بِوالِدی وَ قُرَّةَ عَیْنی». گفت پدر مرا بیاورید و نور چشم مرا به من نشان دهید. اهل بیت، هرچه خواستند او را تسلی دهند: «اِزْدادَتْ حُزْنا وَ بُکاءً». گریه و ناله او زیاده می شد. پس، از شدت گریه او اهل بیت همه به گریه درآمدند و مصیبت ایشان تازه شد و صداها به ناله و گریه بلند کردند. «وَلَطَمُوا الْخُدُودَ وَ حَثُّوا عَلی رُؤُوسِهِمُ التُّرابَ وَ نَشَرُوا الشُّعُورَ وَ قامَ الصِّیاحُ». طپانچه بر صورت خود زدند و خاک آن خرابه را بر سر خود ریختند و موهای

ص ۳۲۲

۱- . ذریعه النجاه ص ۴۵۰ – معالی السبطین ۲ / ۱۶۱ – ترجمه نفس المهموم ص ۵۸۴ – منتخب طریحی ۱ / ۱۳۶

شیخ محمد حسن بن علی یزدی حائری از علما و فقهای بزرگ ایرانی قرن سیزدهم در جای جای اثر مشهورش «أنوار الشهاده فی مصائب عترة الطاهرة» به نام مبارک حضرت رقیه علیها السلام اشاره کرده و در صفحه ۳۲۲ از آن می نویسد:

«در کتاب عوالم العلوم و برخی کتب دیگر روایت نموده است که در میان اسیران، دختر کوچکی از امام حسین علیه السلام باقی مانده بود و اسم او بنابرقولی رقیه علیها السلام بود و از عمر شریفش سه سال گذشته بود و آن حضرت او را بسیار دوست می داشت، آن دخترك بعد از پدرش در شب و روز بسیار گریه می کرد که از گریه او دل اهل بیت علیهم السلام مجروح می شد».

أنوار الشهادة فی مصائب عترة الطاهرة، ص ۳۵ و ۸۴ و ۲۱۶ و ۲۱۹ و ۳۲۱ و ۳۲۲

أعیان الشیعة فی مسارهم التاریخی

ابومحمد باقر محسن مشهور به سید محسن امین عاملی، فقیه مورّخ، ادیب دانشمند، خاتم مجتهدان شام، رهبر و مرجع روزگار خود، نسبش به جناب زید بن علی بن الحسین علیه السلام می رسید.

مشهورترین أثر وی «أعیان الشیعة» می باشد، او در این کتاب به نام و مضجع نورانی حضرت رقیه (سلام اللّٰه علیها) سخن به میان آورده و می نویسد :

رقیه بنت الحسین (علیها السلام): ینسب الیها قبر و مشهد مزور بمحلة العماره من دمشق.

📔 اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۳۴



رقية بنت إسحاق بن موسى بن جعفر — أعيان الشيعة، ج۷، ص: ۳٤

عمرت عمرا طويلا و توفيت ببغداد سنة ۳۱٦.

رقية بنت الحسين ع

ينسب إليها قبر و مشهد مزور بمحلة العمارة من دمشق الله اعلم بصحته جدده الميرزا علي أصغر خان وزير الصدراة [الصدارة] في ايران عام ۱۳۲۳ و قد أرخت ذلك بتاريخ منقوش فوق الباب أقول فيه من أبيات:

له ذو الرتبة العليا علي — وزير الصدر في ايران جدد
و قد أرختها تزهو سناء — بقبر رقية من آل احمد

رقية بنت أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ع

قال المسعودي في مروج الذهب ج ۲ص ۹۲عند ذكر أولاد أمير المؤمنين ع و عمر و رقية أمهما تغلبية اه و أمها الصباء أم حبيب بنت عباد بن ربيعة بن يحيى بن العبد من سبي اليمامة أو سبي عين التمر اشتراها أمير المؤمنين علي ع فأولدها عمر الاطرف و رقية و في معجم البلدان ج ۸ص ۷۷عند ذكر المشاهد و المزارات بالقاهرة قال و بين مصر و القاهرة مشهد فيه قبر رقية بنت علي بن أبي طالب و قال ابن الأثير في الكامل ج ٤ص ٤۸رقية ابنة علي بن أبي طالب متزوجة بمسلم بن عقيل و لها ولد منه يسمى عبد الله قتل يوم كربلاء و في مقاتل الطالبيين:

عبد الله بن مسلم بن عقيل بن أبي طالب أمه رقية بنت علي بن أبي طالب ع و أمها أم ولد.

ينسب إليها قبر و مشهد مزور بمحلة العمارة من دمشق الله اعلم بصحته جدده الميرزا علي اصغر خان وزير الصدراة [الصدارة] في ايران عام ۱۳۲۳ و قد أرخت ذلك بتاريخ منقوش فوق الباب أقول فيه من أبيات:

له ذو الرتبة العليا علي — وزير الصدر في ايران جدد
و قد أرختها تزهو سناء — بقبر رقية من آل احمد

رقية بنت أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ع

قال المسعودي في مروج الذهب ج ۲ص ۹۲عند ذكر أولاد أمير المؤمنين ع و عمر و رقية أمهما تغلبية اه و أمها الصباء أم حبيب بنت عباد بن ربيعة بن يحيى بن العبد من سبي اليمامة أو سبي عين التمر اشتراها أمير المؤمنين علي ع فأولدها عمر الاطرف و رقية و في معجم البلدان ج ۸ص ۷۷عند ذكر المشاهد و المزارات بالقاهرة قال و بين مصر و القاهرة مشهد فيه قبر رقية بنت علي بن أبي طالب و قال ابن الأثير في الكامل ج ٤ص ٤۸رقية ابنة علي بن أبي طالب متزوجة بمسلم بن عقيل و لها ولد منه يسمى عبد الله قتل يوم كربلاء و في مقاتل الطالبيين:

عبد الله بن مسلم بن عقيل بن أبي طالب أمه رقية بنت علي بن أبي طالب ع و أمها أم ولد.

سید محسن امین عاملی، فقیه مورّخ، ادیب دانشمند، خاتم مجتهدان شام، رهبر و مرجع روزگار خود، در مشهورترین أثر خود «أعیان الشیعة» از نام و مضجع نورانی حضرت رقیه علیهاالسلام سخن به میان آورده و می نویسد :

«رقیه بنت الحسین علیهاالسلام ینسب إلیها قبر و مشهد مزور بمحلة العمارة من دمشق».

أعیان الشیعة، ج۷، ص۳۴

ریاض القدس المسمّی بحدائق الانس

✍️ نصیرالدین عبدالجلیل بن ابی الحسین بن ابی الفضل قزوینی مشهور به عبدالجلیل قزوینی رازی از مرجع دینی قرن ششم، فقیه فاضل، دانشمند أصولی و عالم متکلم مشهور به پرهیزگاری، با تربیت شاگردان نامدار و تألیف کتابهای ارزنده، آثاری جاودانه بر جای گذاشت و از مفاخر جهان اسلام به شمار می آمد.

🔶 شهید قاضی نورالله شوشتری درباره این عالم جلیل و معرفی مهمترین اثر مکتوب او «النقض» چنین نوشته است:

«الشیخ الأجلّ عبدالجلیل الرازی از اذکیای علمای أعلام، و اتقیای مشایخ کرام بوده، و در زمان خود به علوّ فطرت وجودت طبع از سایر اقران امتیاز داشته است، تا آنکه چون بعضی معاصران او از غلاة سنّیان شهر ری و ناصبیان وادی ضلالت و غی، مجموعه ای در ردّ مذهب شیعه تألیف نمود، علمای شیعه که در ری و آن نواحی بودند به اتفاق قرار دادند که شیخ عبدالجلیل اولی و احق است به آن که متصدی دفع و نقض آن شود، و آخر او تألیف کتابی شریف در نقض آن مجموعه ساخت، و عنوان آن را به نام نامی و اسم سامی حضرت صاحب الزمان الحجة بن الحسن المهدی صاحب الامر مزین ساخت...».

📙 دائرة المعارف تشیع، ج۸، ص۹۰

✍️ از آثار مشهور دیگر مؤلف می توان به مقتل «ریاض القدس المسمّی بحدائق الانس» اشاره کرد که در سال ۱۳۳۲ ق چاپ شده است. در این کتاب نیز به نام مبارک حضرت رقیه (سلام اللّه علیها)، مضجع نورانی آن حضرت و ماجرای شهادت ایشان اشاره شده است، از آن جمله اینکه نوشته شده است:

بعد از شهادت جانسوز حضرت رقیه (سلام اللّه علیها) در گوشه ویرانه شام و بعد از خطبه هاي آتشین حضرت زینب و امام سجاد (علیهما السلام)، هنگام بازگشت به مدینه مردم شام ازدحام نموده و درحالیکه سیاهپوش شده بودند براي بدرقه اهل البیت (علیهم السلام) ازخانه ها بیرون آمدند وصداي ناله وگریه آنها از هرسو شنیده می شد؛ حضرت زینب کبري (سلام اللّه علیها) از این فرصت استفاده هاي بسیار کرد. از جمله اینکه ناگاه سر از هودج بیرون آورده و خطاب به مردم شام فرمودند:

«اي اهل شام! از ما در این خرابه امانتی مانده است؛ جان شما و جان این امانت. هرگاه کنار قبرش رفتید، آبی بر سر مزارش بپاشید و چراغی در کنار قبرش روشن کنید».

📔 ریاض القدس، ج ۲، ص ۳۲٤

رِیاضُ القُدس

نصیرالدین عبدالجلیل بن ابی الحسین بن ابی الفضل قزوینی مشهور به عبدالجلیل قزوینی رازی از مراجع دینی قرن ششم در اثر مشهورش مقتل «ریاض القدس المسمّی بحدائق الانس» به نام مبارک حضرت رقیه علیهاالسلام مضجع نورانی آن حضرت و ماجرای شهادت ایشان اشاره شده است از آن جمله اینکه نوشته شده است:

بعد از شهادت جانسوز حضرت رقیه علیهاالسلام در گوشه ویرانه شام و بعد از خطبه هاي آتشین حضرت زینب و امام سجاد علیهماالسلام، هنگام بازگشت به مدینه مردم شام ازدحام نموده و درحالیکه سیاهپوش شده بودند براي بدرقه اهل البیت علیهم‌السلام از خانه ها بیرون آمدند وصداي ناله وگریه آنها از هرسو شنیده می شد؛ حضرت زینب کبري علیهاالسلام از این فرصت استفاده هاي بسیار کرد. از جمله اینکه ناگاه سر از هودج بیرون آورده و خطاب به مردم شام فرمودند:

«اي اهل شام! از ما در این خرابه امانتی مانده است؛ جان شما و جان این امانت. هرگاه کنار قبرش رفتید، آبی بر سر مزارش بپاشید و چراغی در کنار قبرش روشن کنید».

ریاض القدس، ج ۲، ص ۳۲۴

ناسخ التواریخ

✍️ میرزا محمد تقی سپهر کاشانی ملقب به «لسان الملک» و معروف به «سپهر» متوفی به سال ۱۲۹۷، از أدباء، علما، مورخان و فضلای عصر قاجار می باشد که علاوه بر تاریخ و ادبیات در بسیاری علوم از جمله ریاضیات، حکمت و فلسفه و جفر و علوم دیگر حظّی وافر داشت.

🔶 أثر مشهور لسان الملک «ناسخ التواریخ» یک دوره تاریخ عمومی از هبوط آدم تا دوران معاصر است که در مجلدات مستقلی از آن به تاریخ هر یک از ائمه اطهار (علیهم السلام) پرداخته شده است.

🔶 در این کتاب نیز به واقعه شهادت حضرت رقیه (سلام اللّٰه علیها) در خرابهٔ شام و تکلم آن حضرت با حضرت زینب (علیها السلام) تصریح و به أخبار موجود در باب آن حضرت اشاره کرده است :

«آن دختر سه ساله بود، بعضی نامش را زینب و بعضی رقیه و بعضی سکینه (علیها السلام) دانسته اند. و عدهاي نوشته اند به دستور یزید (لعنة اللّٰه علیه) عمارتی ساختند و واقعه روز عاشورا وحال شهدا واسیري اسرا را درآنجا نقش کردند و اهل بیت (علیهم السلام) را به آنجا وارد کردند، واگر این خبر مقرون به صدق باشد حالت اهل بیت (علیهم السلام) ومحنت ایشان در مشاهدات این عمارت جز حضرت احدیت نخواهد دانست. پس آن دختر سید مختار، و نبیره ولیّ کردگار، درآن خرابه بی چراغ در شب تاریک بر روي خاك و ریگ بماند. علی الصباح به اذن یزید (علیه اللعنة) آن غریبه را در خرابه دفن کردند.

📔 ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ٤٥٦

ناسخ التواریخ

میرزا محمد تقی سپهر کاشانی ملقب به «لسان الملک» و معروف به «سپهر» در أثر مشهورش «ناسخ التواریخ» به واقعه شهادت حضرت رقیه علیهاالسلام در خرابه شام و تکلم آن حضرت با حضرت زینب علیهاالسلام تصریح و به أخبار موجود در باب آن حضرت اشاره کرده است:

«آن دختر سه ساله بود، بعضی نامش را زینب و بعضی رقیه و بعضی سکینه علیهاالسلام دانسته اند. و عده اي نوشته اند به دستور یزید (لعنه الله) عمارتی ساختند و واقعه روز عاشورا وحال شهدا واسیري اسرا را درآنجا نقش کردند و اهل بیت علیهم‌السلام را به آنجا وارد کردند، واگر این خبر مقرون به صدق باشد حالت اهل بیت علیهم‌السلام ومحنت ایشان در مشاهدات این عمارت جز حضرت احدیت نخواهد دانست. پس آن دختر سید مختار، و نبیره ولیّ کردگار، درآن خرابه بی چراغ در شب تاریپ بر روي خاك و ریث بماند. علی الصباح به اذن یزید (لعنه الل) آن غریبه را در خرابه دفن کردند.

ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۴۵۶

مخزن البکاء

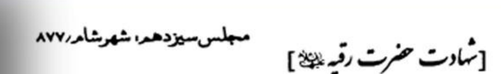
علامهٔ فقیه حاج ملا محمد صالح برغانی از علمای امامیه در قرن سیزدهم، صاحب بیش از ۳۰۰ کتاب و رساله و حاشیه در شاخه های گوناگون علوم اسلامی چون فقه و تفسیر و عقاید و اخبار بود. ملا محمد صالح، فرزند ملامحمد ملائکه، برادر محمدتقی برغانی معروف به شهید ثالث بود. آل برغانی از خاندان های مشهور علمی و مذهبی در قزوین و برغان، منتسب به آل بویه بودند.

علامه اهتمامی ویژه به نگارش کتاب‌های مقتل و به ویژه مقتل مولانا امام حسین (علیه السّلام) داشت و مقید به نقل روایات صحیحه و معتبر بود.

وی سرانجام در غروب روز جمعه ۲۷ جمادي الثانی سال ۱۲۸۳ ق هنگامی که کنار ضریح حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) در بالاي سر مطهر ایستاده بود و دستانش به طرف آسمان بلند بود، رحلت نمود.

مؤلف اثری مشهور به «مخزن البکاء» در رثای حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) دارد که در صفحات متعددي از آن کتاب، به نام مبارک حضرت رقیه (سلام الله علیها) اشاره کرده است.

📔 مخزن البکاء، ص ۸۷٦



مجلس سیزدهم، شهر شام/ ۸۷۷

[شهادت حضرت رقیه علیهاالسلام]

ای شیعه! اگر تصور نمایی آن حالاتی را که بر آن اسیران در شهر شام وارد آمد هرآینه دلت کباب و چشمت پیوسته سیراب خواهد بود و عیش و راحت را بر خود حرام خواهی نمود و چگونه در رختخواب استراحت می‌نمایی و حال آن‌که آن اسیران محترمه در خرابهٔ شام علی‌الدّوام مشغول گریه و آه و ناله می‌باشند؟!

خصوصاً به ملاحظهٔ روایتی که صاحب‌منتخب ذکر فرموده است که چون آل‌الله و آل‌رسول‌الله وارد شام شدند یزید خانه[ای] به جهت منزل ایشان قرار داد و آن بزرگواران در آن منزل مشغول عزاداری بودند و حضرت امام حسین علیه‌السلام یک دختر سه ساله‌ای داشت از روزی که آن مظلوم را شهید کرده بودند[1] پدر خود را ندیده بود و فراق آن جناب بر آن دختر صغیره بسیار تأثیر نموده بود و هرچند از آن اسیران پدر مهربان خود را طلب می‌نمود آن مصیبت‌زدگان آن طفل را تسلی می‌دادند و می‌فرمودند که فردا تشریف می‌آورد.[2]

تا این‌که شبی از شب‌ها آن صغیرهٔ زار پدر بزرگوار خود را در عالم رؤیا دید و از دیدارش خرسند گردید و در ظلّ مرحمتش آرمید و از مطالبه‌نمودن پدر به صیحه‌کشیدن و نعره‌زدن به سبب وصلش به ضعیف‌نالی مشغول گردید که فلک ستیزه‌جو این نوع استراحت را نیز در آن صغیره نتوانست مشاهده نمود و آن شکسته‌بال را از خواب بیدار نمود، چون آن صغیرهٔ زار از خواب بیدار گردید پدر بزرگوار خود را در نزد خود ندید باز عود نمود به گریستن و صیحه کشیدن و نعره‌زدن و هرچند اهل‌بیت آن صغیره را تسلی می‌دادند قرار نمی‌گرفت و زارزار می‌گریست پس آن ستم‌کشیدگان از آن صغیره سؤال نمودند که سبب این گریه و واویلا چیست؟ آن مظلومهٔ دوران در جواب آن بی‌کسان گفت:

ايتوني بوالدي وقُرّةِ عيني! یعنی: بیاورید به نزد من پدر مرا و نور چشم مرا!

پس آن مصیبت‌زدگان دانستند که آن یتیمهٔ زار پدر بزرگوار خود را در خواب دیده است هرچند آن ستم‌زدگان آن صغیره را تسلّی دادند حزن و گریهٔ آن مظلومه بیشتر شد، چون آن غریبان و اسیران و ستم‌رسیدگان ملاحظه نمودند گریه و زاری آن صغیرهٔ شکسته‌بال و هرچند آن حزینه را تسلی می‌دهند گریهٔ او افزون می‌گردد و تسلی نمی‌یابد خود نیز منتظر بهانه بودند لهذا پردهٔ صبر و سکون را دریدند و ایشان نیز با آن صغیره هم‌آواز گردیده، مشغول گریه و زاری و ناله و بی‌قراری گردیدند و عزای آن مظلوم را برپا نمودند و طپانچه بر روهای خود زدند و خاک بر سر خود ریختند و موهای خود را پریشان نمودند و صدای گریه و صیحهٔ ایشان چنان بلند گردید که به گوش یزید پلید رسید.

علامه فقیه حاج ملا محمد صالح برغانی از علمای امامیه در قرن سیزدهم در اثر مشهورش «مخزن البکاء» در رثای حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام دارد که در صفحات متعددي از آن کتاب، به نام مبارک حضرت رقیه علیهاالسلام اشاره کرده است.

مخزن البکاء، ص ۸۷۶

اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات

✍️ فاضل اندیشمند، محقّق و مدقّق، جامع معقول و منقول، عارف به فقه و اصول علامه آقا بن عابد بن رمضان بن زاهد، شیروانی حائری دربندی (معروف به آقادربندی و فاضل دربندی)، فقیه شیعهٔ امامی ایرانی در سدهٔ سیزدهم هجری، متوفای ۱۲۸۶ق در جوار مولاي خود حضرت ابي عبدالله الحسین (علیه السلام) در کربلا می باشد.

☑️ محدّث قمی صاحب مفاتیح الجنان در «فوائد الرّضویّه» درباره ایشان می نویسد:

«شیخ فقیه، نبیه متکلم، محقق مدقق، جامع معقول و منقول، عارف به فقه و اصول، از شاگردان شریف العلماست...».

☑️ علامه تنکابنی نیز در کتاب ارزشمند «قصص العماء» نقل می نماید:

«ملا آقای دربندی (رضوان اللّه تعالی علیه) دارای معقول و موسس در علم منقول بوده و مکرراستاد بزرگ آقا سید ابراهیم رضوان اللّه تعالی علیه می فرمودند : آخوند ملا آقا دربندی (رحمة اللّه علیه) از ارباب فن اصول است، به او رجوع کنید...

ملاآقا دربندی (رحمة اللّه علیه) در علم کلام و حکمت مطالب معقول او مطابق با قوانین شرعیه در علم رجال نیز یگانه رجال و زبده ارباب کمال، در فصاحت و بلاغت استاد مسلم در دیار عرب و عجم بود، بلکه در عصر خود در فصاحت وبلاغت برای او تائی و ثانی وجود ندارد و بی همتا بود».

▪️ نقل است که روزی از روزها شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) برای زیارت مخصوصه به کربلا مشرف شده بود و آخوند ملا آقای دربندی (علیه الرحمة) به دیدن ایشان رفت. شیخ به آخوند دربندی عرضه داشت که: بنده جواهر الکلام را بسیار خوب نوشته ام، آیا شما کتاب جواهر را دیده و پسندیده اید؟ ملا آقا دربندی فرمودند: از این جواهر در خزائن ما بسیارست!!

▪ یکی از ویژگی های علامه دربندی سرسختی در مبارزه با بابیها بود. وقتی بابی ها در کربلا سر برآوردند، وی به شدت به نبرد با آنان برخاست چنانکه آنان به قصد کشتن او در خانه اش به وی حمله کردند. در این واقعه، زخمی به چهره او وارد شد که اثر آن تا پایان عمر باقی ماند.

▪ ایشان در اخلاص و دوستی نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) و به ویژه نسبت به امام حسین (علیه السلام) شهرت بسیاری داشت، چنانکه در ایام عاشورا بر بالای منبر، عمامه بر زمین می زد و گریبان می درید و از شدت اندوه از هوش می رفت. او در روز دهم محرم، لباس خود را می کند و لُنگی بر خود می بست و خاك بر سر می ریخت و گِل بر بدن می مالید و بدین هیأت بر منبر می رفت.

▪ یکی از اقدامات علامه دربندی، مذاکره ایشان با نائب پاشا قائم مقام پاشا عمر (والی وقت عراق و عربستان از سوی پادشاه امپراطوری عثمانی) بود که به منشأ کثیری از خیرات و برکات برای جامعه تشیع منتهی شد و موجبات آسایش زائرین عتبه مقدسه حسني (صلوات اللّٰه و سلامه علیه) در آن عصر را به ارمغان آورد.

▪ ایشان با اینکه زاده دربند بود، اما در جوانی برای ادامه تحصیل به نجف و کربلا رفت. فقه را در نجف نزد شیخ علی کاشف الغطاء و اصول فقه را در کربلا نزد شریف العلمای مازندرانی خواند. مدتی در کربلا زندگی کرد و مشغول به تدریس و تعلیم بود. پس از مدتی به به ایران مراجعت کرد. هنگام ورود به تهران، بسیار مورد علاقه و توجّه مردم قرار گرفت و حتّی ناصر الدین شاه قاجار به دیدن وی آمد، اما او شاه را به سبب شارب (سبیل) بلندش سرزنش کرد و شاه نیز فی المجلس دستور داد تا کمی سبیلش را کوتاه کنند.

جواهرالایقان و سرمایه ایمان (در مقتل سیدالشهدا حضرت اباعبداللّٰه علیه السلام)، مقدمه

▪ «خزائن الأحکام» در دو جلد دربارهٔ اصول و فقه امامیه، «درایة الحدیث و الرجال»، «قوامیس الصناعة»، «جوهر الصناعة» از آثار اوست.

اما مشهورترین اثر وی «إکسیر العبادات فی اسرار الشهادات» مشهور به أسرار الشهادة، درباره شهادت امام حسین (علیه السلام) می باشد که میرزا حسین شریعتمدار تبریزی (متوفی۱۳۳۱ق) آنرا با نام «انوار السّعادة فی اسرار الشّهادة» به فارسی برگردانده است.

این اثر به خواست ناصرالدین شاه در اثری با نام «السّعادات النّاصریة والاقوات الروحانیة» نیز ترجمه مختصر شده است.

✨ فاضل دربندی در مقدمه این کتاب آورده است:

«جهان و هر چه که آفریده شده است، برای این است که عزای حسین (علیه السلام) به پا داشته شود.»

و در توضیح آن می نویسند:

«خدای عزیز و جلیل این خیمه بلند و سقف محفوظ، یعنی آسمان های فراداشته شده و زمین های گسترده را برای سرور جوانان جنّت، سرای اندوه و خانه غصّه، آفریده است. به عبارت دیگر پیش از آنکه ایشان متولّد گردد و حتّی پس از تولّدش تا روز قیامت، این جهان را سرای عزاداری حسین قرار داده است. و از مخلوقات خدای مهربان هر چه را که ببینی همگی شایسته و اسباب و اموری هستند که متعلّق به برپا کردنِ عزاداری در این دنیای حسینی می باشند که در زمین و زمان برقرار و گسترده شده اند. ای شیفتگان و دوستدارانِ امام حسین! به جانم سوگند این مطلب شایسته و دقیقی را که گفتم از عقایدی بود که در دلم جای گرفته بود، ولی جرأت و جسارتم از آشکار کردن آن و گفتنش ناتوان بود».

📔 اسرار الشهادة، ص ۵

▪ نویسنده در این کتاب، حادثه عاشورا را به تفصیل شرح داده است. او این اثر را در ۴۴ مجلس و ۱۲ مقدمه و یک خاتمه (که خاتمه نیز سه مجلس دارد) نگاشته است. مدت نگارش این اثر، ۱۸ ماه و تاریخ پایان نگارش آن، روز جمعه ۱۵ ذی قعده سال ۱۲۷۲ق بوده است.

▪ ویژگی های کتاب اسرار الشهادات

نویسنده در این اثر تنها به تدوین اخبار و توصیف وقایع نپرداخته است، بلکه به سبب آشنایی با حکمت و معقولات و داشتن ذهنی خلاق و نقاد، به تحلیل گزارش ها و کیفیت جمع بین اخبار معارض پرداخته است. و برای صحت أقوال، استدلال کرده است.

این کتاب تا عصر خود، مفصل ترین کتاب در تاریخ عاشوراست و تا آن تاریخ، نگاشته ای به این تفصیل فراهم نشده بود.

✨ علامه دربندی در «اکسیر العبادات فی أسرار الشهادات» وقایع مربوط به حضرت رقیّه (علیها السلام) و ماجراي شهادت آن حضرت تصریح کرده است، از آن جمله اینکه می نویسد:

«اینکه گفته شده یزید (لعنه اللّه) براي تسلّی خاطر حضرت رقیّه (علیها السلام) دستور داد: سر بریده پدرش را نزد او ببرید، درست نیست؛ زیرا منظور یزید، تسلّی خاطر نبود، بلکه می خواست دل اهل البیت (علیهم السلام) را بسوزاند و آنها با دیدن سر بریده، بی تاب و هلاك شوند و عاشوراي دیگري در شام به وجود آید. قصد او فقط این نبود که تنها حضرت رقیّه (علیها السلام) از شدّت مصیبت از دنیا برود، بلکه می خواست همه اهل البیت (علیهم السلام) جان بسپرند؛

از یک سو شهادت حضرت رقیّه (علیها السلام)، از سوي دیگر سر بریده امام حسین (علیه السلام) و از سوي سوّم غسل دادن وکفن کردن پیکر مطهّر حضرت رقیّه (سلام اللّٰه علیها) که با دیدن آن به یاد بدنهاي پاره پاره و بی غسل و کفن شهیدان کربلا افتادند، به راستی عاشوراي دیگري را در آنجا پدید آورد.

صداي گریه اهل البیت (علیهم السلام) آنچنان بلند شد که مردم شام واطراف آن فهمیدند، همگی نزدیک آمده و گریه سردادند.

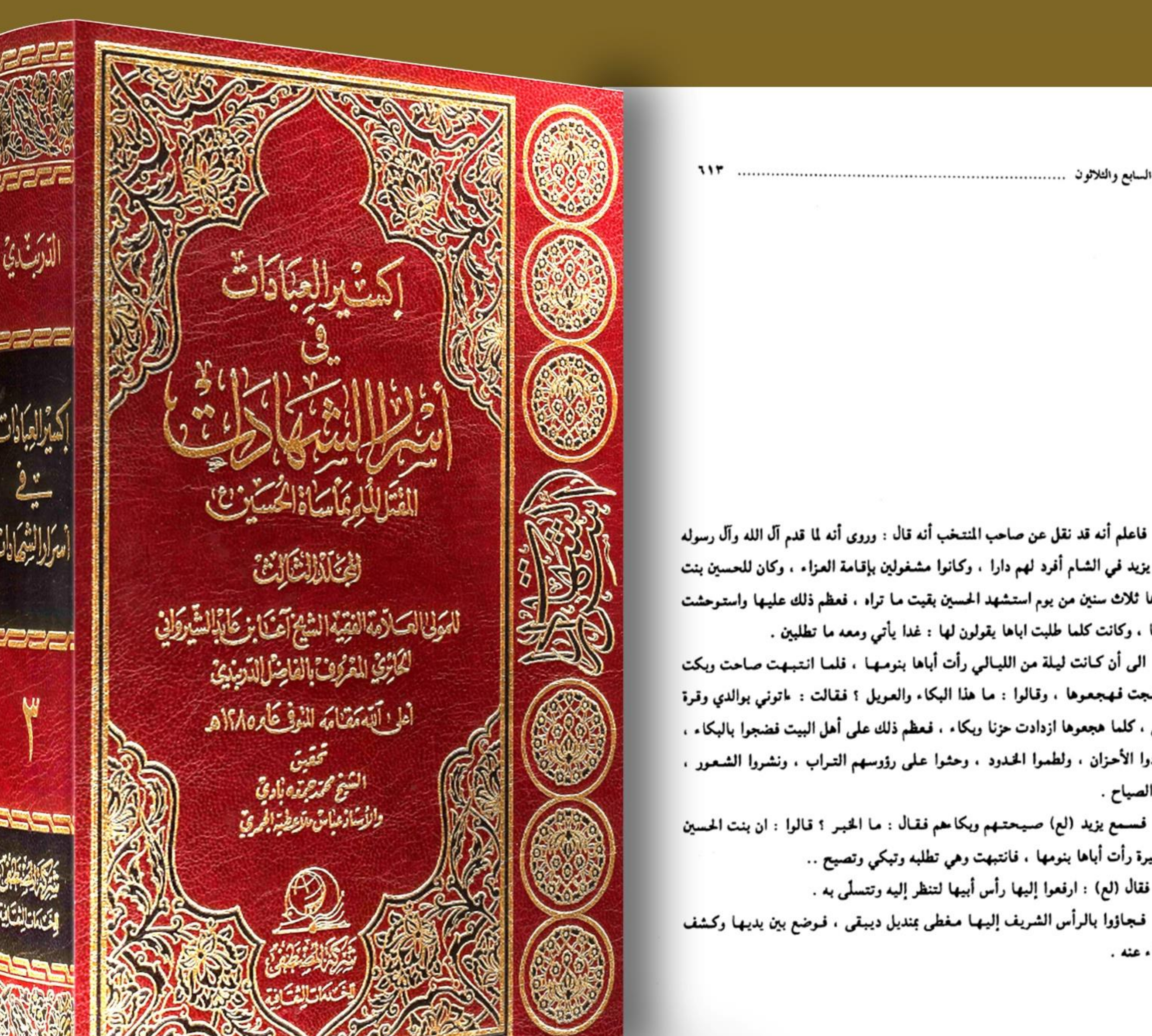
موجب شد تا احساسات مردم بر ضدّ یزید به جوش آید؛ آنها علیه یزید سخن می گفتند.

این ماجرا یزید (علیه اللعنة) را وحشت زده کرد. او در ظاهر خود را تبرئه می کرد و قتل امام حسین (علیه السلام) و شهداي کربلا را به گردن ابن زیاد می انداخت و به ناچار اهل بیت (علیهم السلام) را از آن زندان و بازداشتگاه آزاد کرد».

📙 اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، از ص ٦١٣

✨ البته ایشان در آثار دیگر خود مانند «سرمایهٔ ایمان و جواهر الایقان» نیز به نام مبارک حضرت رقیه بنت الحسین (سلام اللّٰه علیهما) اشاره کرده است.

📙 سرمایهٔ الایمان و جواهر الایقان، ص ٣٠٢، ٣٣٠،٣٥٠ و ٣٦٣



المجلس السابع والثلاثون ٦١٣

فاعلم أنه قد نقل عن صاحب المنتخب أنه قال : وروى أنه لما قدم آل الله وآل رسوله على يزيد في الشام أفرد لهم دارا ، وكانوا مشغولين بإقامة العزاء ، وكان للحسين بنت عمرها ثلاث سنين من يوم استشهد الحسين بقيت ما تراه ، فعظم ذلك عليها واستوحشت لأبيها ، وكانت كلما طلبت اباها يقولون لها : غدا يأتي ومعه ما تطلبين .

الى أن كانت ليلة من الليالي رأت أباها بنومها ، فلما انتبهت صاحت وبكت وانزعجت فهجعوها ، وقالوا : ما هذا البكاء والعويل ؟ فقالت : ماتوني بوالدي وقرة عيني ، كلما هجعوها ازدادت حزنا وبكاء ، فعظم ذلك على أهل البيت فضجوا بالبكاء ، وجاددوا الأحزان ، ولطموا الخدود ، وحثوا على رؤوسهم التراب ، ونشروا الشعور ، وقام الصياح .

فسمع يزيد (لع) صيحتهم وبكاءهم فقال : ما الخبر ؟ قالوا : ان بنت الحسين الصغيرة رأت أباها بنومها ، فانتبهت وهي تطلبه وتبكي وتصيح ..

فقال (لع) : ارفعوا إليها رأس أبيها لتنظر إليه وتتسلّى به .

فجاؤوا بالرأس الشريف إليها مغطى بمنديل ديبقى ، فوضع بين يديها وكشف الغطاء عنه .

فاضل اندیشمند، محقّق و مدقّق، جامع معقول و منقول، عارف به فقه و اصول علامه آقا بن عابد بن رمضان بن زاهد، شیروانی حائری دربندی در اثر ارزشمند «إکسیر العبادات فی اسرار الشهادات» به نقل وقایع مربوط به حضرت رقیّه علیهاالسلام و ماجرای شهادت آن حضرت پرداخته است.

اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، از ص ۶۱۳